

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران

محبوبه علی‌محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

ظهور داعش در منطقه خاورمیانه، خاستگاه اندیشه اسلامی، با تعبیر و تفاسیر گوناگونی بر له یا علیه اسلام و مسلمانان همراه بوده است. فضاهای مجازی در کنار دیگر رسانه‌ها محمل مناسبی برای انتقال اخبار مربوط به این گروه بوده، به‌طور آشکار و پنهان در راستای گفتمانی خاص به بازنمایی این پدیده پرداخته‌اند. همزمان با پیدایش داعش، سایت‌ها و وبلاگ‌های گوناگون در داخل ایران نیز دست به‌کار شده و با رصد فعالیت‌ها، اعمال و جنایت‌های این گروه، سعی در معرفی آن از منظر خاصی داشته‌اند. در این میان سایت «عصر ایران» با انتشار ۱۹۰۳ مطلب در بازه زمانی مهر تا اسفند ۱۳۹۳؛ یعنی آغاز پیدایش و بسط فعالیت‌های «داعش» از سایت‌های پیشگام و فعال در این زمینه به حساب می‌آید. این مطالب گرچه در بیشتر موارد بر جنایات گروه نامبرده تأکید دارد؛ اما مطالب و دست‌نوشته‌های جدی‌تری را در بر می‌گیرد که دیدگاه گرداندگان این سایت را آشکار می‌سازد. مقاله حاضر تلاش کرده است که با مطالعه روند اخبار منتشر شده این سایت و تأکید بر مطالب جدی‌تر آن با استفاده از روش گفتمان لاکلاو و موف، پیام‌های آشکار و معانی ضمنی برآمده از این جریان خبری را آشکار سازد. مفصل‌بندی مقاله‌های سایت عصر ایران در موضوع «داعش» در این بازه، نشان از تأکید بر خاستگاه دینی این گروه دارد و تفاوت‌های ماهوی آنان را با اندیشه اسلام برجسته نمی‌سازد.

**واژگان کلیدی:** پدیده داعش، مقاله‌های تحلیلی عصر ایران، گفتمان، دلالت‌های معنایی

---

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ رایانامه:

## مقدمه

داعش مخفف عبارت «دولت اسلامی عراق و شامات»<sup>۱</sup> است و برچسبی برای یک گروه عقیدتی - نظامی که انشعابی از گروه القاعده به حساب می‌آید، با این تفاوت که تنها به عملیات چریکی و انفجاری بسنده نکرده و به دنبال گسترش قلمرو و فتح اراضی است. تشکیل این گروه نخستین بار در اندیشه مصعب الزرقاوی، عرب اردنی‌الاصل جان گرفت. وی در سال ۲۰۰۳ در حمله آمریکا به عراق به بهانه واقعه ۱۱ سپتامبر سعی بر تشکیل و ساماندهی اقلیت‌های قومی و مذهبی و هدایت آنها علیه آمریکایی‌ها داشت. بعدها به علت اختلاف با سران بالادستی القاعده، به صورت مستقل تلاش کرد که به اهداف خود برسد. در سال ۲۰۰۶ با مرگ وی، فعالیت این گروه دچار ضعف و کاستی شد؛ اما در سال ۲۰۱۱ با خروج آمریکایی‌ها و در حالی که دولت شیعه نوری مالکی در عراق بر سر کار بود، این گروه با پافشاری بیشتر بر عقاید التقاطی و تعصبات خودساخته مذهبی‌اشان بر حذف شیعیان عراق و ایجاد تفرقه میان سنی و شیعه بیشتر پای فشردند. آنان با دستاویز قرار دادن این ایده خود چنان تند، خشن و بی‌مهابا پیش رفتند که در سال ۲۰۱۳ یعنی کمتر از دو سال در صدر گروه‌های تروریستی قرار گرفتند و دست به چنان رفتارهای جنایتکارانه و جنون‌آمیزی زدند که به گواهی اسناد سازمان ملل از سال ۲۰۰۸ تا آن زمان نظیری برای آن یافت نمی‌شود. تجاوز، کشتار گروهی، اعدام‌های بدون محاکمه، سرزدن، ذبح کردن اسرا، سوزاندن مخالفان، به بردگی بردن زنان، ازدواج و طلاق خارج از اصول شریعت و ... شیوه‌های گوناگونی است که این گروه برای خود مشروع و قانونی می‌شمردند. این گروه به تدریج با دست‌اندازی به مناطق بیشتر، حوزه عملیاتی خود را بزرگتر و روش اجرایی خود را شدیدتر کرد. به این ترتیب پس از عقب‌نشینی ارتش عراق از استان‌های فلوجه و موصل، این گروه توانست با تسلط بر شهرهای مرزی عراق و سوریه بر قسمتی از ساختارهای زیربنایی این کشور تسلط یابد این گونه بود که با دسترسی به منابع مالی و به‌کارگیری تکنیک‌های روانی رعب‌آور، قدرت این گروه به سرعت افزایش یافت؛

---

1. Islamic state of Iraq & Al-Sham

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۳۱

به نحوی که آنان را در زیر پا نهادن مرزهای اخلاقی و انسانی تا آن اندازه جری کرد که برخی کشورها را به تشکیل ائتلافی علیه آنان برانگیخت.

گزیده بالا، توصیفی کوتاه پیرامون پدیده داعش بود، اما اینکه خاستگاه فکری و دلایل شکل‌گیری این گروه چیست، مسئله‌ایست که پیرامون آن دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقضی وجود دارد، برخی شکل‌گیری این گروه را برآمده از تدابیر تقابلی رژیم صهیونیستی و غرب علیه بیداری اسلامی یا بهار عربی می‌دانند که قصد دارد توجه را از مسائل درونی جهان اسلام به حواشی تند، خشن و سطحی معطوف کند، در مقابل برخی بر این باورند که داعش حاصل رویه‌های افراطی و متحجرانه‌ای است که گاه و بیگاه برخی نحله‌های فکری و انشعاب‌های اسلامی به کار می‌گیرند. برای شناخت اینکه کدام یک از دو دیدگاه نامبرده در فضای مجازی کشورمان تفوق دارند، مقاله‌های تحلیلی سایت عصر ایران در بازه زمانی اول مهر تا ۲۹ اسفند سال ۱۳۹۳ ( دوره شش ماهه) بررسی شد.

نکته مهم در اینجا چرایی گزینش این سایت خبری و استفاده از مطالب آن است. رصد مطالب سایت «عصر ایران» در دوره نامبرده نشان داد که گرچه عمده موضوعات مربوط به گروه داعش در این سایت نیز چون بسیاری از سایت‌های دیگر، بیشتر به اخبار دهشت آور و گزارش اعمال غیرانسانی گروه نامبرده اختصاص دارد، اما لابه‌لای آنها مقاله‌های تألیفی یا ترجمه شده در مورد چگونگی پیدایش این گروه موجود بود که می‌توانست بازگوکننده دیدگاه گردانندگان سایت مزبور باشد. بنابراین با توجه به اینکه مقاله‌های این سایت در موضوع «داعش» از جدیت و حجم بیشتری نسبت به سایر سایت‌های پرطرفدار و مقبول عامه مردم، برخوردار بود، قرار بر این شد که این مقاله‌ها براساس روش لاکلاو و موف بررسی و عناصر آن تجزیه شده و در نهایت دیدگاه این سایت در این باره بازگو شود. هدف از این کار «شناخت گفتمانی یکی از سایت‌های پرمطلب و مورد اقبال متوسط مردم در موضوع داعش» است. شناخت این گفتمان می‌تواند ضعف‌ها و قوت‌های روند انتشار اطلاعات را در این سایت به‌عنوان یکی از کانال‌های انتشاری در فضای مجازی کشورمان مشخص کرده و شاکله پیام‌های ارسال شده به کاربران را آشکار

کند. بنابراین پرسش مهم این مقاله این است که «گفتمان خبری سایت عصر ایران در موضوع داعش در ابتدای پیدایش این گروه چگونه بوده است».

### گفتمان؛ تعاریف و کارکرد پژوهشی

واژه گفتمان را برخی هم‌خانواده گفتگو و گفتار می‌دانند. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد از گفتمان به‌عنوان واژه‌ای فرانسوی<sup>۱</sup> نام برده می‌شود که در وجه / اسمی به معنای مسیر رو به رشد، روند یا توالی زمان، حادثه و عمل است و در وجه فعلی به معنی دوییدن، رفتن، حرکت کردن، پیمودن، طی کردن، گذشتن و از سرگذراندن معنی می‌شود (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۰). اصطلاح گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۲). این واژه که در سیر تکاملی خود به پیکره‌ای منسجم و معقول از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده، در زبان فارسی از ترکیب مصدر مرخم گفتن «گفت» و پسوند «مان» ساخته شده که در واقع با اضافه شدن پسوند «مان» به گفت، از یک سو «گفتن» از معنای عام و معمولی خود خارج و آماده پذیرش معنای خاص می‌شود و از سوی دیگر این ترکیب، خود به اسم ذات تبدیل می‌شود و با تبدیل شدن به اسم ذات به چیزی اطلاق می‌شود که تحقق خارجی دارد (همان: ۶۰). به لحاظ پیشینه، باید گفت که دهه ۱۹۵۰ عصر ظهور اصطلاح گفتمان در گستره علوم مختلف انسانی بود. این مفهوم در کمتر از دو دهه، حضوری مداوم و عمیق در بیشتر رشته‌های علوم اجتماعی و ارتباطی یافت. تحلیل‌های جامعه‌شناختی از این مفهوم که ظاهراً برای اولین بار در مقاله «تحلیل گفتمان» نوشته «زلیک هریس»<sup>۲</sup> (۱۹۵۲) زبان شناس معروف فرانسوی به کار رفته بود، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روان‌کاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، نظریه اجتماعی و نظریه فرهنگی شد (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۲). گفتمان که

۱. گفتمان معادل واژه فرانسوی "Discourse" و لاتین "Discursus" به معنی گفتگو و محاوره در نظر گرفته شده است.

2. Zellig Harris

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۳۳

حاصل مطالعه زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی یا رویکرد جامعه‌شناختی به مقوله زبان است و دلالت بر آن دارد که متن امری اجتماعی است که در خلال روابط اجتماعی و نه بیرون و مستقل از آن تکوین پیدا می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۳)، در تولید، تغییر و بازتولید ابژه‌های زندگی اجتماعی سهیم است. این معنا خود مستلزم آن است که به گفتمان در یک رابطه فعال معنی‌بخش و هویت‌ساز با واقعیت و نیز به‌مثابه کنش‌هایی که به‌طور منظم موضوع‌هایی را که درباره آنان صحبت می‌شود، شکل می‌دهند، نگریسته شود (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۴). با این تعریف گفتمان در ساخت یا تغییر ساخت اجتماعی می‌تواند به روش‌های زیر نقش ایفا کند:

- نقش تحریری گفتمان؛ در ایجاد حرکت و تغییر که به اثر تبلیغاتی و شیوه‌های گفتمان بستگی دارد.

- نقش اقناعی گفتمان؛ که به انسجام منطقی و ایدئولوژیک آن موقوف می‌شود.

- نقش احساسی گفتمان؛ که از طریق برانگیختن احساسات، برای پذیرش ساختارهای جدید و بدیع زمینه‌سازی می‌کند. (خجسته، ۱۳۸۱: ۳۰)

### گفتمان و متون سیاسی

شناسایی گفتمان‌ها بویژه در حوزه سیاست همواره با نگاهی انتقادی و موشکافانه همراه بوده است. در این دست از مطالعات، آنچه اهمیت بیشتری دارد، یافتن منابع قدرت، ماهیت این منابع و چگونگی استیلای آنان است، به همین دلیل رابطه «گفتمان و قدرت» و «گفتمان و ایدئولوژی» دو محور مهم در این دسته از پژوهش‌ها به حساب می‌آید که در زیر به‌صورت اجمالی به آنها اشاره می‌شود:

**گفتمان و قدرت:** قدرت<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم اصلی در دیدگاه‌های مربوط به گفتمان است. جایگاه قدرت و نقش آن در برجسته شدن گفتمانی خاص، چگونگی طرد گفتمان‌های کم‌قدرت و شیوه استفاده از ابزار گوناگون برای حفظ گفتمانی خاص از

---

1. Power

جمله موضوعات مطرح در این بحث است. مفاهیمی چون: سلطه، کنترل و هژمونی در همین راستا شکل گرفته است و کسانی همچون گرامشی و آلتوسر در این زمینه، دیدگاه‌هایی را طرح کرده‌اند. با این حال بایستی میشل فوکو فیلسوف فرانسوی معاصر را از جمله کسانی دانست که با دقت به مقوله قدرت در گفتمان توجه کرده است. او نشان می‌دهد که دانش صرفاً از طریق مطالعات آکادمیک پدید نمی‌آید، بلکه به واسطه فعالیت شماری از نهادها و روال‌ها تولید می‌شود و در جامعه رواج می‌یابد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۲۱). برای توضیح این دیدگاه اشاره به دیدگاه ون‌دایک رهگشاست. به عقیده ون دایک قدرت اجتماعی از یک سو ریشه در امتیاز دسترسی به منابع ارزشمند و نادر جامعه (مثل ثروت، موقعیت، مقام، زور، تحصیلات و...) دارد و از دیگر سو در دسترسی خاص به ژانرها، صور و بافت‌های متفاوت گفتمان نهفته است. قدرت، کنترل را نیز دربرمی‌گیرد؛ یعنی توانایی (اعضای) یک گروه در کنترل (اعضای) گروه دیگر. چنین کنترلی هم شامل کنترل «کنش» و هم کنترل «شناخت» می‌شود؛ یعنی یک گروه قدرتمند علاوه بر آنکه می‌تواند آزادی کنش گروه‌های دیگر را تحدید کند، می‌تواند ذهن ایشان را نیز تحت سلطه خود درآورد (هیوبرت و رابینو، ۱۳۷۸: ۸۷). هر گروهی عموماً در حوزه خاصی قدرتمند محسوب می‌شود و در همان حوزه‌ها نیز می‌تواند سایر گروه‌ها را کنترل کند؛ پس گذشته از گونه مبتذل کنترل، یعنی کنترل مستقیم از طریق زور (مثل کنترل پلیس بر روی شهروندان یا کنترل زنان به دست مردان) باید به نمود مدرن و بسیار مؤثر قدرت اشاره کرد که می‌توان آن را «کنترل شناخت» نامید که از طریق اقناع، ریاکاری، تقلب و دستکاری حقیقت اعمال می‌شود. راهکارهایی از این دست را می‌توان استراتژی‌های «تغییر عقیده انتفاعی دیگران» به دست یک گروه خاص دانست و درست در همین جا است که پای تحلیل گفتمان انتقادی به میان می‌آید؛ کنترل ذهن دیگران یکی از کارکردهای اصلی متن و گفتار است و باید توجه داشت که گروه سلطه‌گر عموماً از متون و گفتارهایی استفاده می‌کند که در ظاهر کاملاً «طبیعی» و «پذیرفتنی» اند. وظیفه تحلیل گفتمان انتقادی در این شرایط کشف راهبردهای

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۳۵

گفتمانی‌ای است که به کنترل مشروعیت می‌بخشند و نظم اجتماعی و روابط نابرابر موجود را «طبیعی» جلوه می‌دهند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۲۶). آنچه برای تحلیلگر انتقادی گفتمان اهمیت دارد سوءاستفاده صاحبان قدرت از قدرت از طریق رخنه در خلأهای موجود در قوانین، اصول و قواعد مردم سالاری، برابری و عدالت است. برای جدا کردن این نوع قدرت از انواع پذیرفتنی آن، می‌توان از اصطلاح «سلطه» استفاده کرد. گونه‌های ظریفی از «سلطه» وجود دارد که اگر به چالش کشیده نشوند، «طبیعی» تلقی می‌شوند (پین، ۱۳۸۹: ۶۵). در پایان این مبحث باید به این نکته توجه داشت که هرچه دسترسی گروهی یا نهادی به ژانرها و بافت‌های متفاوت گفتمان بیشتر باشد توانش در کنترل ویژگی‌های متنی بیشتر می‌شود و در نتیجه توان بیشتری در تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان و شرکت‌کنندگان در گفتمان پیدا می‌کند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۲۶)

**گفتمان و ایدئولوژی:** برخی بر این باورند که گفتمان اصطلاح فراگیری است که در بطن آن طیفی از ایدئولوژی‌های مختلف جای می‌گیرند. از نظر برخی دیگر، ایدئولوژی‌ها خود را از طریق انواع مختلف گفتمان‌ها به رخ می‌کشند. اینکه گفتمان در واکنش به معانی مرتبط با واژه ایدئولوژی ساخته شده است، بخشی از تاریخ کاربرد گفتمان است و آن کشمکش با مفهوم ایدئولوژی هنوز بخشی از گستره فعلی معانی آن است. به همین دلیل، همه نظریه‌پردازان فرهنگی و انتقادی با این دشواری حاد نظری روبرو بوده‌اند که آیا باید به آثاری متکی باشند که پیرامون مفهوم ایدئولوژی شکل گرفته‌اند، یا با آثاری که از مفهوم گفتمان نشأت گرفته‌اند (هیوبرت و رابینو، ۱۳۷۸: ۸۷). اندیشمندانی چون آلتوسر، گرامشی و فوکو به مفهوم ایدئولوژی اشاره کرده‌اند. آلتوسر و گرامشی با توجه به گرایش سیاسی خود به «برتری طلبی ایدئولوژی» و «سلطه» به‌ویژه از طریق فرهنگ اشاره داشته‌اند، در حالیکه مفهوم ایدئولوژی در بخش عمده آثار فوکو با گفتمان پیوند می‌خورد. بیشتر نظریه‌پردازان‌های مربوط به مفهوم «ایدئولوژی» بر این اصل استوار است که موضع نظریه پرداز پیرامون آن، موضع انتقادی و علمی است. در بیشتر این دیدگاه‌ها، «ایدئولوژی» اغلب به‌عنوان «آگاهی کاذب» یا «بازنمایی خیالی» شرایط واقعی هستی تلقی می‌شود.

### گفتمان و نظریه گفتمانی لاکلاو و موف

اگر همان‌طور که یورگنسن مدعی است، گفتمان را «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) بدانیم (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۸) و باور داشته باشیم که گفتمان‌ها به بازنمایی جهان و رویدادهای آن می‌پردازند، پس باید برای فهم واقعیت‌های ساخته شده این گفتمان‌ها به روشی روی آوریم که معانی پنهان در آنها را آشکار سازد. نظریه گفتمانی لاکلاو و موف دارای ظرفیت مناسبی برای تحلیل و توصیف پدیده‌های اجتماعی است (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). از این دیدگاه، گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد انجام می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۲). به نظر لاکلاو و موف، می‌توان تمام فعالیت‌های زندگی انسان را به‌عنوان اموری گفتمانی بررسی کرد تا آنجا که حتی ساختارهای کلانی چون اقتصاد، فرهنگ و سیاست را می‌توان در ذیل آن جای داد. نظریه گفتمانی این دو که گاهی به اختصار آن را «نظریه گفتمان» می‌نامند، به هر امر اجتماعی به مثابه برساختی اجتماعی نگاه می‌کند. ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند و معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند. با این نگاه، وظیفه تحلیلگران گفتمان نشان دادن جریان این کشمکش بر سر تثبیت معنا در تمای سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴). لاکلاو و موف با تأکید بر بار معنایی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها سعی دارند ساختار کلی یک پدیده را بشناسند. به اعتقاد آنان هر معنایی را باید تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که در آن شکل می‌گیرد بازساخت (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). این الگو بر مفصل‌بندی، گره‌گاه‌های میدان گفتگو تأکید دارد و با استفاده از این مفاهیم به تحلیل یک متن می‌رسد و دلالت‌های معنایی آن را آشکار می‌سازد. از نظر آنان، مفصل‌بندی هر گونه عملی به شمار می‌آید که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند، به نحوی که هویت‌شان در نتیجه عمل مفصل‌بندی دستخوش تغییر شود. کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را لاکلاو و موف «گفتمان»



## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وب‌سایت عصر ایران ۱۳۷

می‌نامند. تعریفی که آنان از «گره‌گاه<sup>۱</sup>» به‌دست می‌دهند عبارت از نشانه‌ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و معنای خود را از آن اخذ می‌کنند. آنان در توضیح این اصطلاح می‌افزایند، گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بعد و به‌واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها (درست مثل تور ماهیگیری) تثبیت شده است. این عمل از طریق طرد تمامی سایر معناهایی که نشانه می‌توانست داشته باشد انجام می‌شود؛ یعنی تمام روابط دیگری که ممکن است نشانه‌ها با یکدیگر داشته باشند. به این ترتیب، گفتمان عبارت از تقلیل حالت‌های ممکن است. لاکلاو و موف کلیه حالت‌های ممکن را که گفتمان طرد می‌کند، «میدان گفتمان» می‌نامند. میدان گفتمان مخزنی برای نگهداری «مازاد معنا»ی تولید شده‌ای است که به وسیله عمل مفصل‌بندی، به‌منظور خلق یک واحد معنایی به وسیله یک گفتمان خاص و طرد معناهایی که هر نشانه در سایر گفتمان‌ها داشته است، صورت می‌گیرد (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۵۴). به نظر لاکلاو و موفه، گفتمان یک بست موقت است، معنا را به شیوه خاصی تثبیت می‌کند، اما مقرر نمی‌کند که آن معنا برای همیشه دقیقاً به همین ترتیب باقی بماند. به بیان آنها مفصل‌بندی‌ها عبارت‌اند از مداخلات تصادفی در یک حوزه تصمیم‌ناپذیر. این بدان معناست که مفصل‌بندی‌ها پیوسته به شکل پیش‌بینی‌نشده‌ای ساختارهای معنایی را شکل داده و در آن مداخله می‌کنند. گفتمان‌ها تلاش می‌کنند نشانه‌ها را ساختاربندی کنند، به‌گونه‌ای که گویی تمامی نشانه‌ها در یک ساختار واحد، معنایی همواره ثابت و روشن دارند. اما از آنجا که ساختار زبان هرگز به‌طور کامل تثبیت نمی‌شوند، در نتیجه جامعه و هویت نیز سیال و تغییرپذیرند و هرگز نمی‌توان آنها را به‌طور کامل تثبیت کرد. بدین ترتیب، روش لاکلاو و موفه برای آشکار کردن واقعیت اینگونه است:

- مشخص کردن گره‌گاه‌ها و دال‌های اصلی و سازماندهی دال‌های کلیدی یک گفتمان
- دستیابی به مفهوم زنجیره‌های هم‌ارزی که به معنا بخشیدن به دال‌های کلیدی اشاره دارد.
- تعیین مفاهیم مربوط به هویت: گروه‌بندی، هویت و نمایندگی و ...
- تبیین مفاهیم مربوط به تحلیل کشمکش‌ها: دال‌های سیال، تخاصم و هژمونی. (همان: ۶۷)

## روش تحلیل

گفته شد که هدف این مقاله شناخت گفتمان دست‌اندرکاران سایت «عصر ایران» پیرامون موضوع «داعش» در آغاز پیدایش این گروه بوده است. برای این منظور همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد:

تمام مطالب گوناگونی که به موضوع داعش اختصاص داشت، از ۱۳۹۳/۰۷/۱ تا ۹۳/۱۲/۲۹ رصد شد. در این کاوش ۱۹۰۳ خبر در مورد داعش، در ۱۹۰ صفحه یافت شد که از این تعداد، ۱۲ مقاله به صورت مبسوط به این موضوع می‌پرداخت. با حذف مقاله‌هایی که مشابهت فراوانی داشتند، پنج مقاله باقی ماند که در این نوشتار بررسی می‌شود. اسامی و شرح مختصری از این مقاله‌ها در جدول زیر آمده است:

### جدول ۱. شرح مختصر مقاله‌های منتخب

ردیف	عنوان	کد خبر	تاریخ انتشار	توضیحات
۱	داعش از کجا تا به کجا؟	۳۸۶۲۳۳	۱۳۹۳/۱۲/۱۷	اشاره به پیشینه و تاریخچه فعالیت‌های تکفیری- سلفی
۲	«انتقام جویی»، محرک داعش	۳۸۰۹۹۳	۱۳۹۳/۱۱/۱۹	با کالبد شکافی جنایات جهانی راه مبارزه با داعش را پرهیز از انتقام می‌داند.
۳	داعش چگونه حکومتداری می‌کند	۳۸۰۲۱۰	۱۳۹۳/۱۱/۱۵	ساختار اداری - مالی داعش را با ارائه مستندات، توضیح می‌دهد.
۴	داعش پیاده‌نظام اسرائیل	۳۶۸۲۷۵	۱۳۹۳/۰۹/۰۸	سازندگان این جریان تروریستی را معرفی می‌کند.
۵	یک کارشناس: داعش محصول تعامل با ذخیره‌های تاریخی اموی است	۳۶۵۸۱۸	۱۳۹۳/۰۸/۲۴	داعش را محصول تقابل غرب با جهان اسلام و راهی برای رویارویی با خیزش‌های شکل گرفته در کشورهای اسلامی برمی‌شمرد.

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وب‌سایت عصر ایران ۱۳۹

- این مقاله‌ها براساس مفاهیم لاکلاو و موف به منزله ابزارهای تحلیل تجربی بررسی شدند.
- برای این منظور، گره‌گاه‌ها و دال‌های اصلی در هر متن مشخص شد.
- مفهوم زنجیره‌های هم‌ارزی که متن را معنا می‌بخشند و دال‌های کلیدی را آشکار می‌کنند معلوم شد.
- مفاهیمی که هویت خاصی را نمایندگی می‌کرد، تعیین شد.
- مفاهیمی که به دال‌های سیال یا متخصص و هم‌مونی، اشاره می‌کرد، تمیز داده شد.
- در نهایت کلیت متن براساس دستاوردهای ذکر شده تحلیل شد.

### تحلیل مقاله‌ها

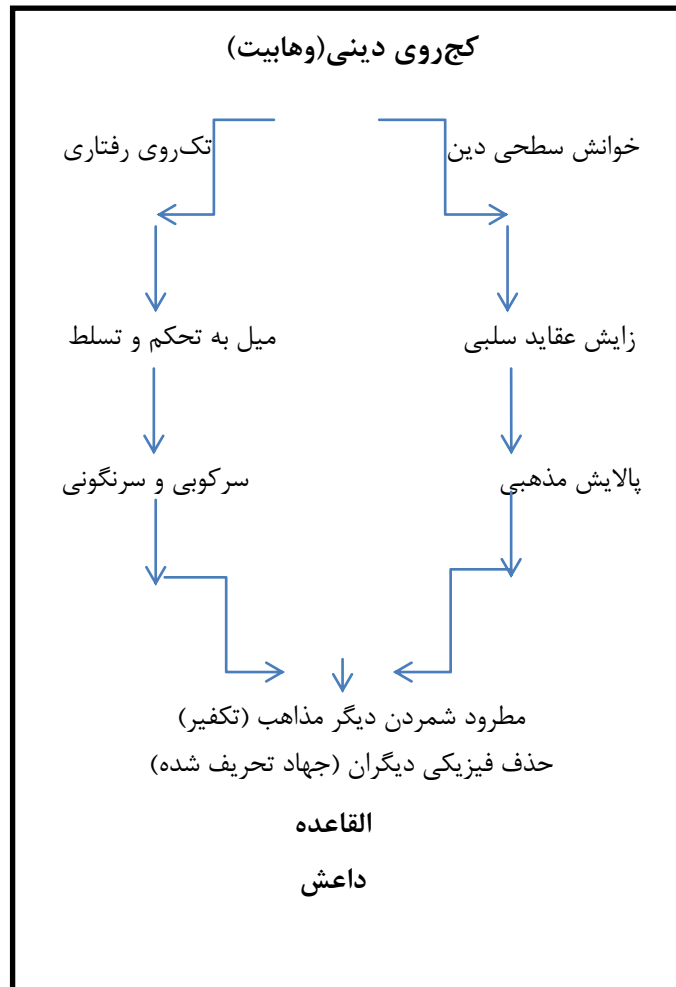
#### مقاله نخست: داعش از کجا و تا به کجا؟

**خلاصه مقاله:** در این مقاله، نگارنده رفتارهای افراطی بعد از سال ۲۰۰۳ (حملة آمریکا به عراق) را با واکاوی تاریخی به سلفی‌گری و وهابیت پیوند می‌زند. وی با اشاره به حرکت محمد بن عبدالوهاب (۱۷۰۳-۱۷۹۱ م) نخست به بررسی اصول فکری و مشی رفتاری این گروه می‌پردازد، سپس با تکیه بر این پیشینه، شکل‌گیری گروه‌های تروریستی جدید همچون القاعده و داعش را برون‌داد تدریجی همین حرکت تند و سطحی قلمداد می‌کند که در طی دوپست و اندی سال نشو و نما یافته است.

**تحلیل مقاله:** این مقاله با اشاره به تاریخچه سلفی‌گری و وهابیت سعی دارد «داعش» را برآمده از چنین تفکری معرفی کند. گفتمانی که در اینجا توصیف می‌شود «اسلام انحرافی» است که مفصل‌بندی این گفتمان بر دال مرکزی «کج‌روی» بنا می‌شود. این دال که نشان از «خوانش سطحی» و «تک‌روی دینی» دارد نه تنها ذهن معتقدان بلکه رفتار آنان را نیز سمت و سو می‌دهد. در واقع، گفتمان اسلام انحرافی با بست و پیوند میان «عقاید خشک و قالبی» با «حرکت‌های تند سیاسی» ساختاری را می‌سازد که بر «عقب‌ماندگی فکری یا کوتاه‌فکری»، «چارچوب‌های سلبی - عقیدتی»، «رفتارهای غیر عقلایی»، «سلطه‌جویی استبدادی» و «برتری طلبی مذهبی» استوار

است. در واقع نویسنده با یاری گرفتن از پیشینه «سلفی‌گری» آن را یکی از نقاط عطف انحرافی در سیر اجتماعی- سیاسی اسلام برمی‌شمارد که به تدریج و در سیر تکوینی خود پایه‌گذار مکاتب انحرافی چندی همچون صوفیه، نقشبندیه، قادریه و غیره است. اما به غیر از این بُعد عقیدتی، آنچه سلفی‌گری با خود آورد «بدعت‌های رفتاری» است، در واقع انحراف این جریان تنها در عقاید خلاصه نمی‌شود؛ بلکه چیزی که آن را از سایر مکاتب نامبرده مجزا می‌کند، اعمالی است که آنها در راستای عقایدشان در محیط اجتماعی و عرصه سیاسی به آن دست می‌زدند. چگونگی جایگزینی واژه «جهاد» به جای «جنبش» و چگونگی بسط «اندیشه جهادی» از عناصر اصلی تأکید شده در این مقاله است. در واقع می‌توان «جهاد» را در اینجا دال شناوری دانست که از نگاه نویسنده به تدریج از معنای واقعی خود فاصله گرفت و هم‌اکنون بار معنایی منفی را با خود حمل می‌کند. استناد به عملیات جهادی که رهبران گروه‌های سلفی - وهابی علیه حکام وقت یا دیگر رقبای خود در پیش گرفتند مانند سرنگونی نظام آل‌رشید و حکام محلی حجاز و شهرهای تهامه به دست دولت برآمده از ائتلاف ابن عبدالوهاب و ابن سعود، انتقام‌جویی اخوان المسلمین و المحتسب یا جنبش جهیمان از آل سعود، بدین دلیل است که دلالت لازم برای اطلاق واژه «جهاد» بر معانی «تندروی»، «رادیکالی» و «افراطی‌گری» فراهم می‌آید و در نهایت استدلالی منطقی برای اندیشه نویسنده در زمینه برآمدن گروه «داعش» از خاستگاه سلفی‌گری ارائه می‌شود. علاوه بر این اشاره سطحی و گذرای متن به اصول مورد قبول سلفی‌گری همچون: اندیشه‌های دوگانه «توحید و شرک»، «تولی و تبری» یا نظریه «تکفیر جوامع» برای این منظور صورت گرفته است تا عناصری گرد هم آیند که ماحصل آنها بتواند رویه «پالایش مذهبی» داعش به زعم نویسنده را معنا ببخشد.

نمودار ۱: مفصل‌بندی مقاله «از کجا تا به کجا»



براساس توضیحات داده شده و نمودار بالا، مهم‌ترین اجزای این مقاله براساس مدل لاکلاو و موف به قرار زیر است:

**مفصل‌بندی:** چنانچه پیشتر آمد مفصل‌بندی این مقاله بر مبنای اسلام انحرافی بنا شده است. قرائتی که به اعتقاد نگارنده ریشه در کج‌فهمی شیوخ دینی دارد که دریافت نادرست از دین اسلام دارند.

**دال مرکزی:** در نوشتار بالا، «وهابیت» به‌عنوان ریشه و سرآغاز «کج‌فهمی» نشانه‌گذاری می‌شود و دال مرکزی به حساب می‌آید. در واقع در این متن سعی شده که با بررسی پیشینه وهابیت و سلفی‌گری، مدارک مستندی از انحراف این نحله فکری به مخاطب ارائه شود و او با ادله مختلف متقاعد شود که این مذهب خودساخته باعث بانی جریان‌های تروریستی نوین است. به این ترتیب تمام نشانه‌ها به سمت دال «وهابیت» و «سلفی‌گری» به‌عنوان سرچشمه کج‌روی نشانه رفته است. در اینجا دال وهابیت معادل یا نشانه کج‌روی دینی است.

**دال‌های اصلی و زنجیره دال‌ها:** دال‌هایی که پیرامون «وهابیت» یا همان «کج‌روی دینی» چیده شده است شامل «خوانش سطحی دینی» و «تکروری رفتاری» است. در واقع نویسندگان بر آن است که انحراف را بدین وسیله هم در سطح «باورها» و هم در سطح «اعمال» نشان دهد. بر این اساس وی کج‌روی در سطح باورها را منشأ ایجاد عقاید تکفیری می‌داند که در نهایت به برتری‌طلبی مذهبی از سوی پیروان وهابیت و طرد سایر مذاهب (تکفیر) می‌انجامد. از سوی دیگر رفتار خودسرانه این گروه که در راستای همان قرائت‌های سطحی انجام می‌شد، تمایل رهبران این گروه برای تحکم و تسلط بر مجاری قدرت را افزایش داده و سبب شده است که آنان دست به اقدامات سرکوبگرانه زده و به سرنگونی رقبا بیاورند. این اعمال، در نهایت به تفکر مشروع شمردن حذف فیزیکی منتهی می‌شود که اینجا آن را قرائت نوینی از مفهوم جهاد در اسلام می‌داند. به این ترتیب نویسندگان سعی دارد با بست و پیوند میان دال‌های گفته شده، زنجیره‌ای از دال‌ها را بسازد که از یک سو «انحراف عقیدتی» و از سوی دیگر «کج‌روی سیاسی» را می‌سازد.

**میدان گفتمان:** این مقاله با برجسته کردن «وهابیت» به‌عنوان نماد «عقیدتی» - سیاسی اسلام انحرافی «گفتمان‌هایی همچون: «مشروعیت وهابیت»، «وهابیت به‌عنوان یک مذهب» و «مغایرت وهابیت با داعش» را طرد می‌کند و آنها را به حوزه گفتمانی می‌برد که قابل اعتنا نیست. از سوی دیگر با پیوند داعش با اسلام منحرف شده، گفتمان

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۴۳

کلانتری که داعش را نه زائیده اسلام بلکه برآمده از توطئه دشمنان اسلام می‌داند نیز کمرنگ جلوه می‌دهد. البته در متن به‌طور کوتاه و گذرا به همدستی انگلستان در یکی از عملیات وهابیون علیه اخوان المسلمین اشاره شده است؛ اما نقش این کشور نه در زایش انحراف بلکه به‌طور جزئی در تقویت آن مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین داعش به‌عنوان پدیده پرورده غربی‌ها نیز به میدان گفتمان مطرود، رانده می‌شود.

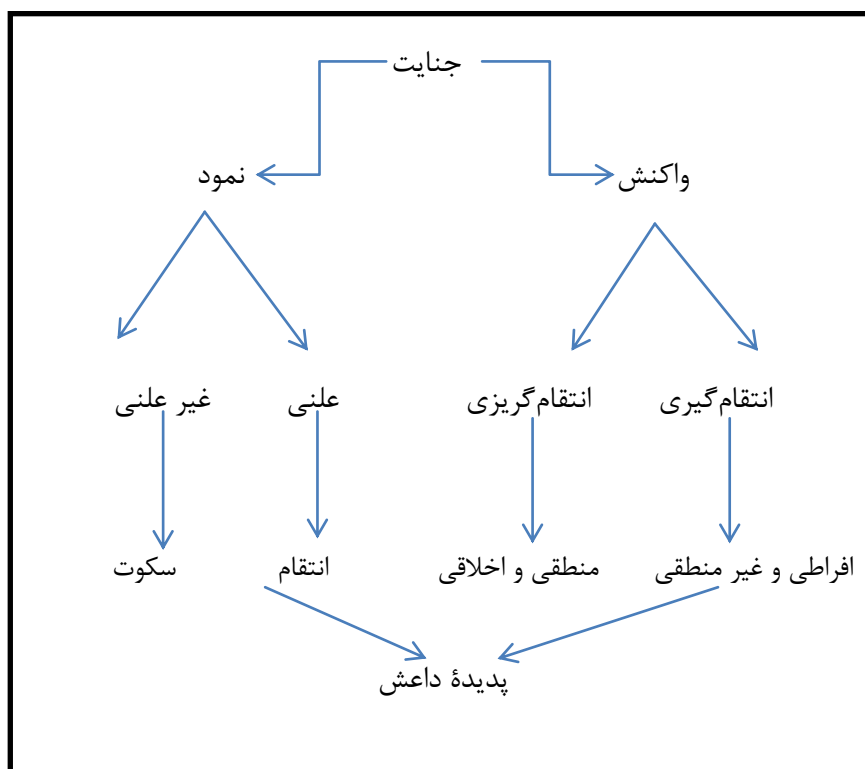
### مقاله دوم: «انتقام جویی»، محرک داعش

**خلاصه مقاله:** در این مقاله ضمن اشاره به جنایت‌های داعش، نویسنده بر این موضوع تأکید دارد که علیرغم دهشتناک بودن اعمال این گروه اما موارد مشابه این کردار در جهان وجود دارد با این تفاوت که علنی نیستند و به چشم نمی‌آیند. وی با آوردن نمونه‌های از این جنایت‌ها، به این نتیجه می‌رسد که نباید در برابر این گروه «مقابله به مثل» کرد و دست به «انتقام» زد، چون خود این گروه زاده انتقام‌گیری آمریکا در مورد واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ هستند. پس این انتقام‌گیری به‌طور غیر مستقیم بر شدت این گروه می‌افزاید و کشورها را در دام انتقام‌گیری بیشتر آنان می‌اندازد. از طرفی نویسنده معتقد است فجایع مشابه‌ای در دنیا اتفاق می‌افتد اما چون پنهان است و هیچ کس از آن فیلم یا عکسی ندارد، این جنایت‌ها مخفی می‌ماند و برخوردی با جنایتکاران نمی‌شود. به اعتقاد وی، دیده نشدن سبب مشروعیت‌بخشی به این جنایت نمی‌شود. او تأکید می‌کند که تنها راه مقابله با داعش، پرهیز از انتقام‌جویی و صرفاً مجازات کردن آنهاست.

**تحلیل مقاله:** مفصل‌بندی این مقاله بر «نحوه رویارویی با اعمال جنایتکارانه» بنا شده است. در این مفصل‌بندی، دال مرکزی «عمل مجرمانه» است. به این ترتیب سعی می‌شود که با زدن مثال‌هایی از جنایت‌ها و فجایع، آنها را فراگیر به حساب آورده، و رفتارهای گروه داعش را نمونه‌ای همچون سایر فجایع جهانی بداند با دو تفاوت: نخست اینکه در برابر جرائم داعش، به سرعت واکنش‌های متعددی که اغلب براساس

«انتقام‌گیری» است صورت می‌گیرد. در حالی که خود این گروه چنانکه گفته شد زاده «انتقام غیر عقلانی» است. به این ترتیب انتقام‌گیری را با «واکنش افراطی و غیر منطقی» و «افزایش جنایت» پیوند می‌دهد و در برابر از دال «انتقام‌گریزی» استفاده می‌کند که با «واکنش منطقی» و «نیفتادن در دام داعش» بست و پیوند می‌خورد. دوم اینکه «دیده شدن یا نشدن جرم» نیز دال دیگری است که نحوه رویارویی با جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نویسنده بر آن است که همچنان با آوردن مثال نشان دهد که جنایت‌های فجیع در همه جهان وجود دارد؛ اما چون داعش، جنایت‌های خود را «علنی» می‌کند و آنها به چشم می‌آید پس عزم برخی از کشورها را برای مقابله با خود برمی‌انگیزد، در حالی که همین افراد در برابر جنایت‌های مشابه «سکوت» می‌کنند.

## نمودار ۲. مفصل‌بندی مقاله «انتقام‌جویی» محرک داعش





## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۴۵

بنابر مطالب بالا و نمودار ترسیم شده، اجزای این مقاله بر طبق نظر لاکلاو و موف به شرح زیر است:

**مفصل‌بندی:** چنانکه گفته شد مفصل‌بندی این مقاله براساس «چگونگی مقابله با جنایت» طراحی شده است. در اینجا نویسنده با آوردن نمونه‌هایی از جنایات فجیعی که در جهان صورت می‌گیرد بر آن است که آن را امری تلقی کند که گروه‌های بسیاری و نه فقط داعش به کار می‌گیرند؛ اما آنچه که وی بدان می‌پردازد تفاوتی است که در رویارویی جهانیان با جنایات‌های داعش اتخاذ می‌شود.

**گره‌گاه:** چنانچه مشاهده شد، دال مرکزی یا گره‌گاه این مقاله بر جنایت متمرکز است. در اینجا سعی می‌شود با فراگیر دانستن جنایت در جهان امروز، جنایت گروه داعش عادی و چون بقیه موارد تلقی شود.

**دال شناور:** طرح بالا دو دال شناور برای گفتمانی که این مقاله سعی در پی‌ریزی آن دارد ارائه می‌کند، نخست نوع «واکنش» نسبت به این جنایت‌ها، که می‌تواند یا از سر انتقام باشد یا واکنش‌هایی که هدف آن تنها مجازات است. دال شناور بعدی، «دیده شدن یا نشدن» جنایت است. که می‌تواند نوع واکنش را تحت تأثیر قرار دهد.

**دال‌های اصلی و زنجیره دال‌ها:** به این ترتیب حول گره‌گاه جنایت، هم انتقام‌گیری وجود دارد که به جنایت دامن می‌زند و باعث تکرار جنایت می‌شود و آن را سلسله‌وار ادامه می‌دهد، که به نظر نویسنده خود پدیده داعش هم برآمده از همین دور تسلسلی است. از سوی دیگر می‌توان به مجازات اکتفا کرد که واکنشی عقلانی و منطقی است و جنایتکاران را جری هم نمی‌کند، البته در اینجا نویسنده، با توصیه کشورهایی که قصد مقابله با داعش را دارند به مدارا و پرهیز از مقابله به مثل و ذکر جنایت‌های مشابه که بدون هر گونه پاسخ همچنان ادامه دارند، تلویحا سعی دارد که بخشش را به جای قصاص یا انتقام بنشانند. از سوی دیگر آوردن دال علنی یا غیر علنی بودن جنایت، نشان از واکنش تقابلی یا واکنش خنثی دارد که در اینجا سعی می‌شود به‌عنوان دلیلی برای هجمه کشورها علیه داعش استفاده شود، در واقع این مقاله سعی دارد «دیده شدن» جنایت را به جای «وسعت و

سبعیت» جنایت بنشانند و به این نتیجه برسد که جبهه‌گرفتن کشورها علیه داعش نه به دلیل شدت جنایت این گروه است (که مشابه آن بسیار است) بلکه به این دلیل است که این جنایت‌ها در تمام دنیا از طریق فناوری‌های جدید دیده می‌شود.

**میدان گفتمان:** با توجه به توضیحاتی که شرح آن در بالا رفت، این مقاله بر آن است که داعش را پدیده‌ای مولود انتقام و محصول دنیای فناورانه جدید اعلام کند که گناهش چون سایر جنایتکاران است و نه بیشتر و تنها تفاوت آنها در این است که جنایت‌های خود را علنی می‌کنند، که اگر اینطور نبود در جهان کنونی که پر از جنایت است، همچون سایر گروه‌های نظامی تلقی می‌شدند که فقط مستحق مجازات و نه بیشتر بودند، یا حتی با اغماض می‌شد از آنها گذشت. به این ترتیب «سبعیت و وحشی‌گری اقدامات» داعش به حاشیه رانده می‌شود و مشی التقاطی و مرام غیر عقلانی آنها بدون هیچ واکاوی به میدانی طرد می‌شود که به دنبال کاویدن عمیق این پدیده است. به همین دلیل می‌توان گفت این مقاله گفتمان سطحی «رویاری با جنایت» را به جای میدان گفتمانی «ریشه‌یابی جنایت و نابودی آن» قرار داده است، تا لایه‌های ژرف‌تر مسئله پنهان بماند و گفته نشود.

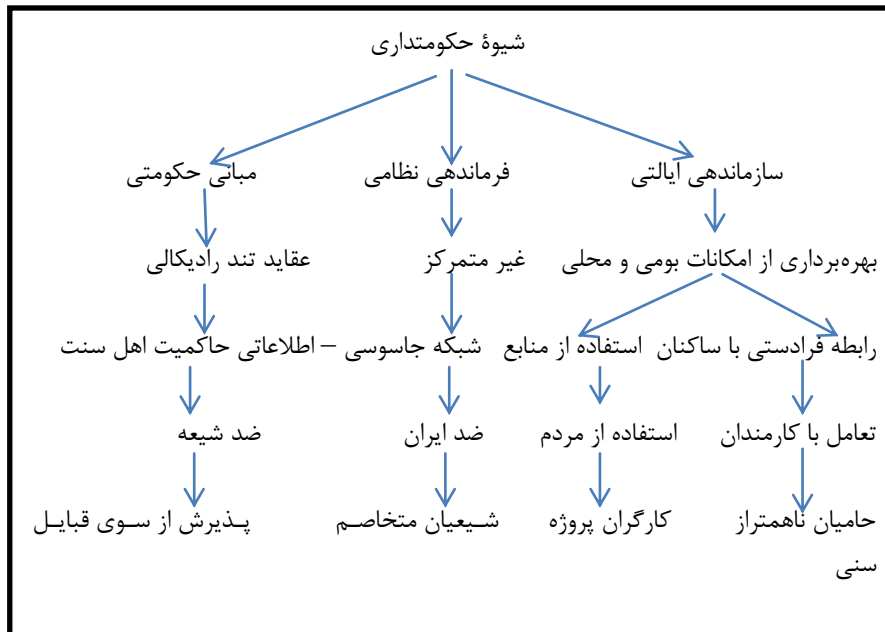
### مقاله سوم: «داعش چگونه حکومتداری می‌کند؟»

**خلاصه مقاله:** این مقاله براساس گفته‌های یک خبرنگار سوری در مورد ساختار حکومتداری داعش شکل گرفته است. حسن حسن شهروندی سوریه‌ای است که برخی از اعضای فامیلش که تحصیلکرده و چندان هم مذهبی نبوده‌اند به داعش پیوسته‌اند، وی توانسته از طریق همان‌ها با برخی از اعضای داعش گفتگو کند و چگونگی حکومتداری آنها را به تصویر بکشد، دیده‌ها و شنیده‌های او باضافه مطالبی که این اعضا گفته‌اند، در کتابی به نام «حکومتداری تروریست‌ها» گرد آمده است. این مقاله نیز براساس اطلاعات همین کتاب تدوین شده، در ضمن اینکه با استناد به گفته‌های برخی دیگر همچون یکی از نمایندگان مجلس آلمان نیز تکمیل می‌شود.

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۴۷

**تحلیل مقاله:** در اینجا از گفتمان اداری - ساختاری استفاده می‌شود تا از این طریق وقایع پنهان و امور مکتوم داعش رو شود. استناد به گفته اعضا و آوردن نمونه‌های میدانی برای افزایش وثوق کار و متقن جلوه دادن آن است. مقاله حاضر با توجه به مطالبی که در خود جمع کرده است به گفتمان ظاهری و صوری بسنده نمی‌کند؛ بلکه قصد آن استفاده از صورت حکومتداری برای رسیدن به معنای حکومتداری در نزد داعش است. تأکید بر مصاحبه با ۸۰ نفر از اعضای داعش برای متقن دانستن اثر است. توصیف شیوه فرماندهی، چگونگی سازماندهی استان‌ها و ایالت‌های اشغال شده، چگونگی استفاده از کارمندان و مردم بومی همچنین نحوه تعامل با قبایل و اقوام از مواردی است که نویسنده با پرداختن بدانها سعی دارد شمایی از حکومتداری داعش را ارائه دهد. با وجود آنکه در نگاه اول، استناد به حرف‌ها و دیده‌های یک خبرنگار، مخاطب را با این تصور مواجه می‌سازد که متن فاقد سوگیری و واقع‌گراست؛ اما در لابه‌لای توصیفاتی که از وضعیت ساختاری داعش می‌شود می‌توان به برخی از تمایلات پیدا و پنهان موجود در متن پی برد.

### نمودار ۳. مفصل‌بندی مقاله «داعش چگونه حکومتداری می‌کند؟»



براساس مدل لاکلاو و موف می‌توان اجزای مقاله را به شرح زیر توضیح داد:

**مفصل بندی:** در شرحی که در بالا رفت و براساس نمودار فوق، مقاله مورد نظر براساس ساختار حکومتداری مفصل بندی شده است. در واقع سعی شده، سیستم یا نظام متداولی که براساس آن داعش فعالیت می‌کند بررسی شود.

**گره‌گاه:** «حکومتداری» یا «شیوه اداره» دال مرکزی یا گره‌گاه این مفصل بندی است. انتخاب این دال پیشاپیش نشان دهنده آن است که نویسنده، این گروه را به عنوان نوعی حکومت بازشناسی کرده و چارچوب اقدامات آنها را در قالب یک نظام حکومتی قابل شناسایی می‌داند. از سوی دیگر با انتخاب این دال، اقدامات این گروه را تنها در فعالیت‌های نظامی خلاصه نمی‌کند و ابعاد دیگر اقتصادی و اعتقادی را نیز در ذیل آن می‌سنجد.

**دال‌های اصلی و زنجیره دال‌ها:** در اینجا حکومتداری شامل «نحوه تعامل با مردم»، «استراتژی نظامی» و «مبانی اعتقادی» می‌شود. در واقع با گزینش این دال‌ها، سعی می‌شود که فعالیت‌های داعش دارای ابعاد متفاوت معرفی شود تا امکان اطلاق نوع حکومت به آن منطقی باشد. سپس نحوه تعامل با افراد بومی با توجه به چگونگی ارتباط با کارمندان و مردم تعریف می‌شود که داعش به کارمندان نه به عنوان «افراد مورد اعتماد» بلکه به چشم کسانی نگاه می‌کند که در مرتبه‌ای پایین‌تر از گروه آنان «حمایت» می‌کنند. آنان در برخورد با مردم عادی نقش «کارگزار پروژه» را دارند که از بومیان کار می‌کشند. داعش از منابع دولتی به عنوان مایملک خود بهره‌برداری می‌کند. «استراتژی‌های نظامی» نیز دلالت بر مجموعه اقداماتی دارد که داعش در جنگ با دیگران برمی‌گزیند، در این مقاله سعی شده است دلیل مقابله با کشورهای عراق و سوریه با عنوان حامیان ایران توجیه شود. دال «شیعیان متخاصم» دلالت بر این دارد که شیعیان بنابر استراتژی داعش دشمن به حساب می‌آیند و ایران به عنوان یک کشور شیعه در رأس دشمنان قرار دارد. در نهایت هنگامی که به «مبانی اعتقادی» داعش می‌رسیم، آنان گروهی مذهبی با اعتقادات «تند رادیکالی» معرفی می‌شوند که خواهان

تسلط حاکمیت «اهل سنت» هستند و به گفته نویسنده اهالی سنی شهرهای اشغالی هم حکومت آنان را با توجه به تبعیض‌هایی که پیش از این دیده‌اند، پذیرفته‌اند، به این ترتیب به صورت پنهانی سعی می‌شود که حکومت‌های شیعی پیشین در کشوری مانند عراق، حکومت‌های مستبدی تلقی شوند که داعش به مراتب از آنها بهتر است و به این شکل تقابل داعش با دیگران به سطحی معنایی تقابل سنی و شیعه مرتبط شود.

**دال‌های شناور:** در اینجا دال «حکومت» از مهم‌ترین دال‌های شناور است؛ چرا که حکومت می‌تواند «مشروع» یا «نامشروع» باشد، هر چند که نویسنده در جاهایی از متن، این گروه را تروریست می‌خواند؛ اما همکاری کارمندان با آنان و پذیرفته شدن آنها از سوی اهل سنت را تلویحاً به عنوان دال‌هایی مورد استفاده قرار می‌دهد که نوعی مشروعیت ضمنی برای داعش به همراه می‌آورند. از طرفی «مذهبی بودن» که از جمله نشانه‌های این گروه به حساب می‌آید، دالی است که تعریف درستی از آن نمی‌شود؛ چراکه می‌توان از این واژه هم تقید به اصول یک مذهب الهی و هم عمل در چارچوب قواعد یک مذهب خودساخته را استنباط کرد. با این حال نویسنده سعی دارد که صرفاً با دال «مذهب رادیکالی» آن را رها کرده و تلقی از آن را به مخاطب واگذارد. دال شناور دیگری که معانی چندگانه‌ای دارد «اهل سنت» است؛ همان‌هایی که داعش را پذیرفته‌اند. نخست با توجه به تعدد گروه‌های سنی باید دانست کدام مذاهب سنی پذیرای گروه داعش و باورهای آنانند و دیگر آنکه آیا انشعاب‌های به ظاهر اسلامی که خارج از اصول اسلام دست به بدعت زده‌اند همچون «تکفیری‌ها» نیز براساس تقسیم‌بندی این مقاله در زمره اهل سنت قرار می‌گیرند یا نه، دانستن این مطلب از آن روی است که بسیاری از مذاهب سنی نیز گروه داعش را باطل می‌شمارند.

**میدان گفتمان:** این مقاله با گفتمانی که پیرامون ساختار داعش ارائه می‌دهد، بحث مهم «مشروعیت» آن را به میدان گفتمانی می‌راند که در اصل، فلسفه وجود این گروه به عنوان یک حکومت را به چالش می‌کشد و آن را در چارچوب یک حکومت تعریف‌شده نمی‌داند و صرفاً آن را یک گروه تروریستی معرفی می‌کند. علاوه بر این،

تعریف استراتژی نظامی این گروه به‌عنوان خصم شیعیان، «اقدامات وحشیانه آنها» را در قبال معتقدان به مذاهب دیگر اعم از سنی، ایزدی و غیره به حاشیه می‌راند (مثال: سوزندان خلبان سنی اردنی). علاوه بر این منحصر شدن نحوه تعامل آنان به کارمندان و مردم، چگونگی برخورد آنان با «زنان و دختران» را پوشیده می‌دارد و به گفتمان دیگری سوق می‌دهد، این در حالی است که زنان نیز در ذیل گروه کارمندان یا مردم عادی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر گفتمان حکومتداری مورد نظر این مقاله در اینجا به‌گونه‌ای ساخته و پرداخته می‌شود که دارای تناقضات بی‌پاسخی است، از سویی نویسنده اذعان دارد که اهل سنت این گروه و حاکمیت آنها را پذیرفته‌اند، از سوی دیگر در نحوه تعامل با مردم، این گروه را به سان مدیران پروژه معرفی می‌کند که تنها قصد بهره‌برداری از منابع موجود در منطقه را با بهره‌کشی از مردم دارند، به این ترتیب نویسنده این موضوع را که آیا این پذیرش از سر ناچاری و اجبارست یا از روی میل، بی‌هیچ پاسخی کنار می‌زند.

### مقاله چهارم: «داعش، پیاده نظام اسرائیل»<sup>۱</sup>

**خلاصه مقاله:** این مقاله با رد اسلامی بودن گروه داعش، آن را پدیده‌ای اسرائیلی می‌نامد که کشورهای غربی همچون آمریکا و انگلیس نیز در ایجاد آن مؤثر بوده‌اند. نویسنده برای اثبات ادعای خود به سخنان افراد مختلفی که در ساختار امنیتی - اطلاعاتی کشورهای نامبرده فعال بوده‌اند اشاره می‌کند و با گردآوری اخبار و اطلاعات گوناگون سعی دارد این موضوع را ثابت کند.

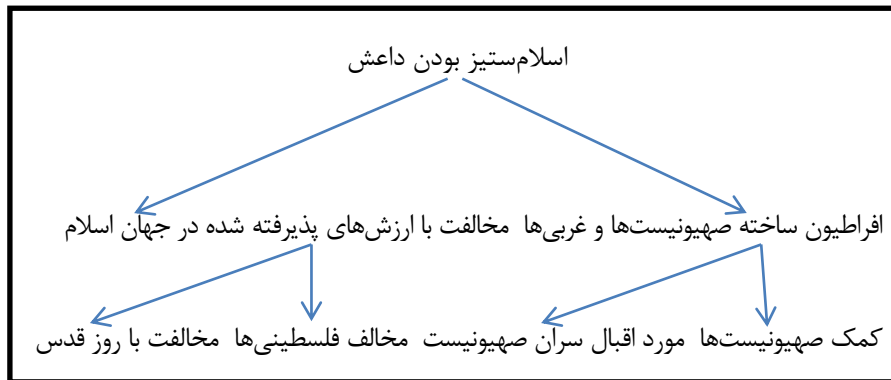
**تحلیل مقاله:** این نوشتار بر مبنای «غیر اسلامی بودن» گروه داعش شکل گرفته است. متن موجود با آوردن سخنان کسانی چون ادوارد اسنودن (کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا)، کوین برت نویسنده امریکایی، بشار الجعفری (نماینده دائم سوریه در سازمان ملل)، گزارشی از روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت و سخنان یک خاخام صهیونیستی سعی بر اثبات این ادعا دارد که گروه داعش، پرورده دست

۱. عنوان مقاله یادشده در وب‌سایت عصر ایران «داعش، پیاده‌نظام اسرائیل» بوده و به‌کار بردن واژه اسرائیل به جای نام رژیم غاصب صهیونیستی به‌دلیل استفاده نویسنده از همین عنوان برای این مقاله است.

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۵۱

صهیونیست‌ها و کشورهای حامی آنان است. این مقاله برای صورت دادن به ادعای خود، گزیده‌ای از سخنان آنها را که موافق با ادعای یاد شده است در متن به کار می‌گیرد در حالی که به بافت و محیط طرح هیچ یک از این اظهارنظرها پی نمی‌برد. این در حالیست که برخی از این گفته‌های گزینش شده از قول کسانی نقل می‌شود که به دلایلی در گروه مقابل داعش قرار دارند.

### نمودار ۴: مفصل‌بندی مقاله «داعش، پیاده‌نظام اسرائیل»



اجزای این مقاله براساس مدل لاکلاو و موف به شرح زیر است:

**مفصل‌بندی:** این مقاله براساس گفتمان ضدیت داعش با اسلام و مقابله این گروه با اسلام، مفصل‌بندی شده است. عناصر مورد استفاده در این صورت‌بندی به گونه‌ای است که داعش را در تقابل با اسلام قرار دهد.

**گره‌گاه:** دال مرکزی یا گره‌گاه این مقاله بر اسلام‌ستیزی داعش استوار است. در واقع همه دال‌های دیگر به منظور تقویت این گره‌گاه به کار گرفته شده‌اند تا ضدیت آن را با اسلام نشان دهند.

**زنجیره دال‌ها:** استفاده از دال‌هایی چون: «افراطیون دست‌پرورده صهیونیست و غرب» و «مخالفت با اسلام» از مهم‌ترین مفاهیمی است که این متن بدان اشاره می‌کند. در اینجا نویسنده با استناد به گفته‌های برخی از شخصیت‌ها، داعش را به استفاده از «کمک‌های مالی و خدماتی» صهیونیستی متهم می‌کند، همچنین اقدامات آنها را بنابر

همین سخنان در راستای دستیابی به «آرمان‌های صهیونیست‌ها» ارزیابی می‌کند. در مقابل، آنها به دلیل «مخالفت با فلسطینیان» و «ممنوع شمردن راهپیمایی روز قدس» درست رودرروی آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی قرار دارند. به این ترتیب زنجیره تشکیل شده از این دال‌ها همان «اسلام‌ستیزی» داعش را برجسته می‌کند.

**دال شناور:** «اسلام» دال شناور این مقاله است، در عصر حاضر خوانش‌های متعدد از این دین الهی و قرائت‌های متکثری که از آن می‌شود تا آنجاست که آوردن همه آنها در زیر یک عنوان به نام «اسلام و ارزش‌های اسلامی» دشوارست. از این رو، معانی متعددی را می‌توان برای آن لحاظ کرد.

**میدان گفتمان:** در مقاله حاضر، ساخت دال‌ها در خدمت صهیونیستی نشان دادن داعش و تقابل آنها با اسلام قرار دارد و ادله‌ای در این باره نقل قول می‌شود، اما در عوض ریشه‌های اعتقادی و مبانی ایدئولوژیک این گروه که لاقبل در ظاهر اسلامی به نظر می‌رسد به میدان گفتمانی دیگری طرد می‌شود و هیچ توضیحی در این باره به مخاطب داده نمی‌شود. از سویی کنکاش در رویه عملی این گروه که بر ایجاد رعب و وحشت بنا می‌شود به شرط واکاوی می‌توانست نشان‌دهنده نسبت این گروه با اسلام باشد؛ اما در اینجا نویسنده به جای ژرف‌کاوی به سطحی‌نگری بسنده کرده و به جای ایجاد یک میدان گفتمانی عمیق، به گفتمان سطحی اکتفا می‌کند.

**مقاله پنجم:** «یک کارشناس: داعش محصول تعامل با ذخیره‌های تاریخی

اموی است»

**خلاصه مقاله:** این نوشته حاصل گفتگو با یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر حمید پارسانیا، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پیرامون چگونگی شکل‌گیری پدیده داعش است. در این گفتگو، داعش محصول تقابل غرب با فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود که در چند دهه اخیر با خیزش مسلمانان برای بازخوانی معارف و مفاهیم اسلامی به تدریج شکل گرفته است. براساس چنین دیدگاهی، غرب که شامل آمریکا و اروپا می‌شود اگر چه در تعاملات بین‌المللی در مرکز قرار دارد اما



## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۵۳

نمی‌تواند نسبت به کشورهای جهان سوم و خاورمیانه که عمدتاً مسلمان هستند بی‌تفاوت باقی بماند؛ بنابراین سعی دارد آنها را به‌گونه‌ای تحت تسلط قرار دهد که بتواند مرکزیت خود را در هدایت جریان‌های جهانی حفظ کند. به‌وجود آمدن اصطلاح «منافع ملی» که غربی‌ها بویژه آمریکا بر آن پافشاری دارند برای حفظ همین جایگاه بوده است. این تلاش در دوره‌ای باعث شد که این کشورها با مفاهیم مدرنی چون: لیبرالیسم، آزادیخواهی، دموکراسی، ناسیونالیسم، توسعه و غیره بر مبانی ذهنی و حاکمیتی جهان اسلام و خاورمیانه نفوذ و خود را صاحبان ایده‌های نو و دستاوردهای مدرن به روشنفکران و مردم کشورهای توسعه نیافته معرفی کنند و خیزش‌های آنها را در راستای منافع خود ساماندهی کنند. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، دیدگاهی در جهان اسلام شکل گرفت که با مفاهیم مدرن غربی هیچ‌سختی نداشت، این سرآغاز، تلنگری برای جهان اسلام بود که برای بازسازی کشورهای خود به جای وابستگی به مفاهیم غربی به ذخایر معرفتی خود رجعت کنند، این بازگشت که به‌تدریج می‌رفت به موحی از خیزش‌های عظیم در جهان اسلام بدل شود، کشورهای غربی را واداشت تا به جای مفاهیم نوینی که پیش از این برای تسلط بر خیزش‌های فکری و اجتماعی به‌کار می‌گرفتند، به‌صورت شتابزده از مفاهیم موجود در متن اسلام برای رسیدن به منافع خود بهره ببرند، از این رو ایجاد بدیل‌هایی چون گروه داعش پاسخی به مطالبه مسلمانان برای ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی بود، منتها فرهنگی مسخ‌شده و افراطی که با یاری حاکمان دست‌نشانده غربی‌ها در منطقه توانسته است با ایجاد رعب و وحشت این بازنگری را پس بزند. به اعتقاد این کارشناس، عملکرد و شیوه گسترش گروه داعش در زمینه سطحی‌نگری و بستر وجودی با حکومت امویان شباهت‌هایی دارد و در واقع آمیزه‌ای از اسلام آمریکایی و اسلام اموی است.

**تحلیل مقاله:** این مقاله گفتمانی را ارائه می‌دهد که بر «بدیل‌سازی» یا «جایگزین‌سازی» برای اسلام استوار است. نویسنده سعی دارد با اشاره به سازوکارهای سیاسی در جهان امروز، نحوه مواجهه غرب با جهان اسلام را روشن سازد و از این طریق

شکل‌گیری گروه داعش را توضیح دهد. برای این منظور وی به نحوه ورود غربی‌ها به جهان اسلام به‌ویژه خاورمیانه اشاره دارد و چگونگی بهره‌برداری آنان از منابع این منطقه غنی و تلاش برای تسلط بر آن را توضیح می‌دهد. چگونگی تسلط بر حرکت‌های ذهنی - انقلابی و به‌دست‌گیری ارکان حاکمیتی در این کشورها، به اعتقاد سازندگان این متن راهی است که غربیان برای رسیدن به منظور خود پیش می‌گیرند، آنان گاه از مفاهیم نو خود ساخته استفاده می‌کنند و گاه از مفاهیم آشنا با فرهنگ مردمان همین سرزمین. در واقع آنان متناسب با بسترهای اجتماعی و سیاسی حاکم بر این سرزمین‌ها، به شیوه‌های گوناگون سعی در هدایت افکار عمومی به سمت اهداف خود دارند، استفاده از مفاهیم اسلامی در دوره‌ای از فرایند گذار این منطقه به سمت تمدن اسلامی، شیوه نوین غربیان برای حفظ منافع است که آنان «ملی» خطاب می‌کنند. به این ترتیب در داخل گفتمان کلان «بديل‌سازی» این متن با گفتمان خردتر «اسلام آمریکایی» مواجه هستیم که بر دال‌هایی همچون: «نفاق»، «سطحی‌نگری»، «شتابزدگی» و «جمود و خرافه‌گرایی» پایه‌ریزی شده است.

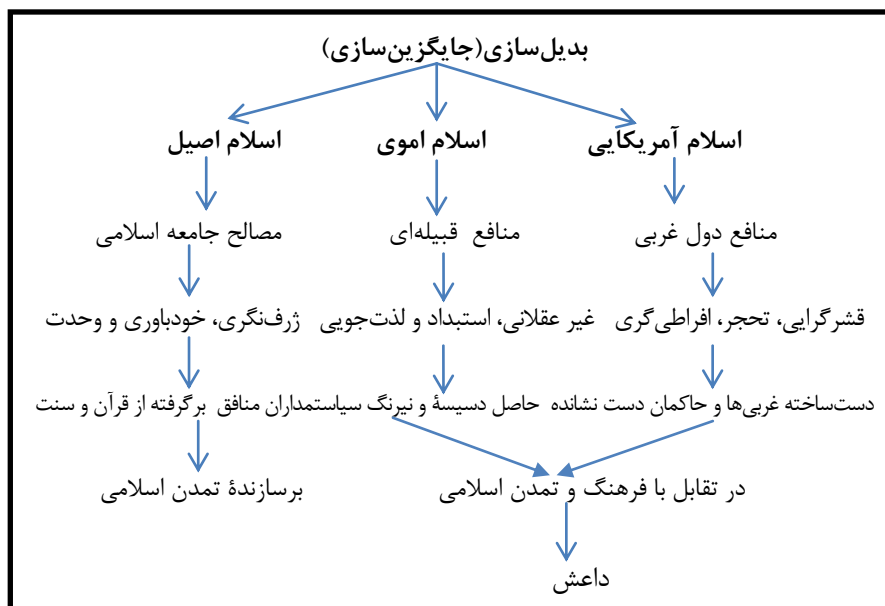
از طرف دیگر، بازگشت مسلمانان به سوی فرهنگ اسلامی که با پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت، توان بالقوه این دین برای شکل‌دهی تمدن جدیدی در این منطقه را به مسلمانان یادآوری کرد، تمدنی که می‌توانست با پاسخگویی به نیازهای مسلمانان در عصر حاضر در تقابل با فرهنگ غربی قرار گیرد. این فرهنگ بر «خودباوری»، «استقلال مسلمانان»، «بهره‌برداری از ذخایر معرفتی جهان اسلام» و «وحدت و انسجام» استوار است. به این ترتیب گفتمان خردتر دیگری که در این مقاله با آن روبرویم «گفتمان اسلام اصیل» است. این گفتمان رویاروی گفتمان «اسلام آمریکایی» قرار دارد.

اما گفتمان سوم دیگری نیز در دل گفتمان کلان این متن دیده می‌شود و آن «اسلام اموی» است، اسلامی که ریشه آن در خلافت بنی‌امیه قرار دارد. این سلسله به ظاهر اسلامی از نظر سازندگان این متن با «حفظ ظواهر اسلامی» و «زدودن محتوای دینی» شیوه‌ای از حکومتداری را خلق کردند که بر «نفاق»، «نفی عقلانیت»،

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وب‌سایت عصر ایران ۱۵۵

«لذت‌جویی» و «استبداد» بنا می‌شد. بر مبنای این متن، در عصر حاضر غربی‌ها برای مقابله با خواست مسلمانان برای بازگشت به معارف دینی خود، به شکل‌دهی نوعی از اسلام همت گماشتند که آمیزه‌ای از «اسلام آمریکایی» و «اسلام اموی» را در خود دارد. این قرائت خود ساخته و غیر اصیل که بر «افراطی‌گری»، «جمود فکری» و «خشونت و لذت‌طلبی» استوار است با ایجاد فضای رعب و وحشت، مطالبه جوامع اسلامی را برای رجعت به فرهنگ اسلامی پس می‌زند و مانع از آن می‌شود که افکار عمومی با خوانش صحیح از اسلام روبرو شوند. به این ترتیب داعش در برگیرنده گفتمان «اسلام آمریکایی» و «اسلام اموی» است.

### نمودار ۵: مفصل‌بندی مقاله «داعش محصول تعامل با ذخیره‌های تاریخی اموی»



اجزای گفتمان ارائه شده در این متن براساس روش لاکلاو و موف به قرار زیر است:  
**مفصل‌بندی:** چنانچه دیده شد این متن بر آن است با طرح گفتمان‌های متعددی که در تقابل و تضاد با یکدیگر هستند، چگونگی بدیل‌سازی را نشان دهد. بر این اساس، مفصل‌بندی این متن بر جانشین‌سازی یا بدیل‌سازی برای اسلام استوار است.

**گره‌گاہ، دال مرکزی:** در این متن، دالی که همه نشانه‌ها به سمت آن نشانه رفته، اسلام است. در واقع تمام گفتمان‌های موجود در این متن، به نوعی خوانش خود از اسلام را توضیح می‌دهند.

**دال شناور:** اسلام همچنان که دال مرکزی در این متن است به دلیل آنکه به شیوه‌های متعدد قرائت می‌شود در این متن شناور است. دال دیگری که می‌تواند شامل معانی دیگری باشد «تمدن اسلامی» است، این واژه می‌تواند به مقتضای ویژگی‌های عقیدتی و فضاهای فکری نزد روشنفکران مسلمان به صور گوناگون معنی شود که دال شناور دیگر این متن به حساب می‌آید.

**میدان گفتمان:** در این متن، خوانش‌های چندی از اسلام آورده و سعی شده که نسبت داعش با آنها مشخص شود. با این حال نقش مطالبات خود شهروندان کشورهای مسلمان، یا رابطه آنها با حکامشان و تأثیر این رابطه بر پدیده داعش مورد توجه نبوده و به گفتمان دیگری رانده شده است. از همه مهم‌تر در این میان دلیل روی‌آوری برخی از جوانان مسلمان و تحصیلکرده که خود نیز با برخی از جریان‌های سیاسی آشنا هستند به این قرائت متحجرانه، افراطی و نظامی به قول سازندگان متن، کاوش نشده و به میدان گفتمانی کنار زده شده است که بر مطالعه بر روی خود افراد و اعضای این فرقه توجه دارند. از طرفی توجه به عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مانع از توجه به عامل اقتصادی در شکل‌گیری داعش شده است، در واقع این عامل به گفتمان دیگری پس زده شده است. در ضمن نکته‌ای که در مورد این مقاله حائز اهمیت است، چگونگی تنظیم عنوان آن است، با نگاهی به کل متن و سخنان مصاحبه‌شونده (کارشناس پاسخگو) می‌بینیم که به نظر وی داعش نه پدیده‌ای است که صرفاً آمریکایی باشد یعنی برآمده از خوانش سطحی و متحجرانه و نه فقط زاده اسلام اموی؛ بلکه ملغمه‌ای از هر دو است که در تقابل با اسلام اصیل شکل گرفته است با این حال در تنظیم این نوشته، عنوان به‌گونه‌ای انتخاب شده است که داعش را تنها به اسلام اموی منتسب می‌کند و موضوعات دیگر مد نظر کارشناس را به کنار می‌زند.

### نتیجه‌گیری

از بررسی پنج مقاله تحلیلی سایت «عصر ایران» که به پیدایش و نحوه شکل‌گیری «داعش» اشاره می‌کند به نشانه‌هایی پی‌می‌بریم که می‌تواند نگاه این سایت خبری را نسبت به پدیده مزبور مشخص کند.

حجم مقاله‌های تحلیلی این سایت در مورد داعش در مقایسه با اخباری که به جنایات و فعالیت‌های این گروه می‌پردازد بسیار اندک است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که فضای مجازی ما بیشتر به گردش فجایع این گروه توجه دارد و تحلیل آن چندان مورد اقبال کاربران و به تبع آن گردانندگان چنین فضاهایی نیست. از طرفی با توضیحی که در ابتدای این مقاله در مورد کلیت اخبار منتشر شده در مورد «داعش» در آغاز پیدایش این گروه در بیشتر سایت‌های داخلی داده شد، گرچه می‌توان گفت عصر ایران به واسطه تحلیل موضوع، اندکی از آنها جلوتر است؛ اما در مجموع، فضای مجازی ما در قبال این پدیده منفعل است؛ یعنی اینکه بیشتر از آنکه واقعیت پدیده «داعش» را بازناساند و براساس بازتعریف خود آن را پوشش دهد، به نشر و باز نشر جنایات آنها می‌پردازد این رویه یعنی اطلاع‌رسانی اخبار موحش این گروه گرچه سهمی در شناسایی آنان دارد؛ اما در حجم وسیع و درازمدت، به واقع با همان راهبردی هماهنگ است که آنان برای فعالیت‌های رسانه‌ای خود برگزیده‌اند؛ یعنی ایجاد ترس و دلهره و انتشار آن در فضایی بسیار گسترده.

این سایت سعی می‌کند به دیدگاه‌های مختلف در مورد داعش و نحوه پیدایش آن بپردازد. مقاله‌هایی که این سایت در این باره پوشش می‌دهد، هم به موضوع به‌عنوان پدیده‌ای برخاسته از شرایط اجتماعی و سیاسی جهان اسلام نگاه می‌کنند و هم آن را برآمده از قدرت‌های غربی و اسرائیل می‌داند.

مقاله‌های مزبور بیشتر از آنکه در قالب یادداشت یا ستون ویژه به قلم سردبیر یا هیئت تحریریه تألیف یا نوشته شده باشد، اثر ترجمه یا مصاحبه و دیدگاه کارشناسانه است. بنابراین نمی‌توان به راحتی دیدگاه خاص این سایت و نویسندگان آن را نسبت به

موضوع دریافت. این بدان معنی است که در این باره خود دست‌اندرکاران سایت به اظهار نظر مستقیم نمی‌پردازند.

در مقاله‌هایی که داعش به‌عنوان پدیده‌ای غربی - صهیونیستی معرفی می‌شود کاوش عمقی و بازبینی لایه‌های زیرین موضوع کمتر به چشم می‌خورد. در این متون یا به حرف‌های برخی از افراد استناد شده است یا گزارش‌هایی به‌عنوان مدرک ارائه می‌شود بدون اینکه زنجیره‌های پیونددهنده این شواهد به دقت تحلیل شود. اما دو مقاله‌ای که به نوعی بر نقش ساختارهای سیاسی - اجتماعی جهان اسلام یا پیشینه آن در شکل‌گیری جریان نامبرده متمرکز هستند، با تفصیل بیشتری به موضوع می‌پردازند که نشان‌دهنده این است که موضع زاده شدن داعش از بستر جهان اسلام در این سایت از عمق و اهمیت بیشتری برخوردار است.

### منابع

- آقا گل‌زاده سیلاخوری، فردوس (۱۳۸۵). **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- بشیر، حسن (۱۳۸۴). «تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها: تحلیل مقاله مورخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۱ روزنامه گاردین انگلیس درباره ایران»، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- پین، مایکل (۱۳۸۹). فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: نشر مرکز.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). **گفتمان، پادگفتمان و سیاست**، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). **اسلام سیاسی در ایران**، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خجسته، حسن (۱۳۸۱). «نظریه گفتمان و رادیو»، **فصلنامه پژوهش و سنجش**، شماره ۳۲. صص ۵۰-۲۵.

## دلالت‌های معنایی پیرامون داعش در وبسایت عصر ایران ۱۵۹

- دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۷۸). میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸ پایبی، صص: ۱۵۳ - ۱۸۱.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲). راه دراز گذر، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
- مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، فصلنامه معرفت فرهنگی - اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، ویژه بهار، صص ۹۱ - ۱۲۴.
- یورگنسن. ماریان، فیلیپس. لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- داعش از کجا تا به کجا؟ سایت عصر ایران، تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ بازیابی شده از: <http://www.asriran.com/fa/news/386233/>
- «انتقام جویی»، محرک داعش، سایت عصر ایران، تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ بازیابی شده از: <http://www.asriran.com/fa/news/380993/>
- داعش چگونه حکومتداری می‌کند؟ سایت عصر ایران، تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ بازیابی شده از: <http://www.asriran.com/fa/news/380210/>
- داعش ، پیاده نظام اسرائیل، سایت عصر ایران، تاریخ: ۱۳۹۳/۰۹/۱۶ بازیابی شده از: <http://www.asriran.com/fa/news/368275/>
- یک کارشناس: داعش محصول تعامل با ذخیره‌های تاریخی اموی است، سایت عصر ایران، تاریخ: ۱۳۹۳ /۰۸/۴ بازیابی شده از: <http://www.asriran.com/fa/news/365818/>